



خبرنامه

سال دوم

جریحهای فدائی خلق ایران - مازندران

شماره: ۳۹ تاریخ: ۲۰ / ۸ / ۱۳۵۹

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

بیش بسوی سازماندهی مبارزات توده‌ها!

تکثیر از

هوا داران : جریحهای فدائی خلق ایران

نقدی بر سومقاله خبرنامه شماره ۳۴

در سومقاله شماره ۳۴ خبرنامه مطالبی در مورد سازماندهی محله‌ای مطرح شده بود که دارای اشتباهات اساسی است لذا خود را ملزم دیدیم تا در طی این مقاله با آن برخورد نمائیم و به انتقاد از آن بنشینیم. همانطور که در متن خود مقاله ۳۴ اشاره شده است امروز با توجه به افشای چهره ضد خلقی و فریبکار جمهوری اسلامی توده‌های وسیع از این حاکمیت جدا شده‌اند. شناخت بخش وسیعی از توده‌ها از جمهوری اسلامی به جایی رسیده که آنها در مقابل حریکات سیاسی مدافع حاکمیت و بظا هر چه (مانند اکثریت) موضع مخالف می‌گیرند. توده‌ها پتانسیل مبارزه ضد امپریالیستی خود را به مراتب بیشتر از گذشته به عرصه عمل می‌آورند. روحیه باطنی و تسلیم طلبی گذشته (دوره شاه خائن) جای خود را به روحیه پر شور مبارزاتی در میان توده‌ها داده است. حسارت و شجاعت جای ترس و وحشت آنچنانی از حاکمیت امپریالیستی را گرفته است. سطح آگاهی مردم نسبت به گذشته به مراتب بالا رفته است و مبارزات گذشته تجارب گرانقدری را به مردم آموخته است. مردم دیگر همچون شرایط قبل روحیه عدم پذیرش نسبت به روشنفکران انقلابی را ندارند. اهمیت مبارزه مسلحانه پیشگامان انقلاب در جلب توجه توده‌ها نسبت به روشنفکران انقلابی بحدی بوده است که حتی امروز اعمال اپورتونیست‌ها بخصوص آنها بی‌که از درون به سازمان جریکهای فدائی خلق ضربه وارد آوردند نتوانسته است همچون گذشته توده‌ها را نسبت به روشنفکران انقلابی تدبیر نماید. پذیرش آگاهی سیاسی از طرف مردم به حدی است که میتوان گفت، امروز توده‌های ماتشنه کسب آگاهی سیاسی هستند.

این تصویر از جنبش خلق ما است.

ما همواره برای این عقیده بوده‌ایم که باید از تمامی اشکال مبارزاتی برای ارتباط با توده‌ها سود جست. ما معتقدیم که باید توده‌ها را در ارگان‌های مناسب سازماندهی کرد و روی این نکته نیز همواره تاکید کرده‌ایم که در هر شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص شکلی از مبارزه عمده است و سایر اشکال مبارزاتی در رابطه با این شکل عمده و در خدمت آن ضروری بوده و مفید واقع میشوند.

اگر بخواهیم از شکل عمده مبارزه در ایران اسم ببریم، باید از مبارزه مسلحانه سخن بگوئیم ما معتقدیم سازمانیکه تحولی بنیادی در جامعه ما بوجود نیاورد یعنی تا زمانیکه ایران همچنان تحت سلطه امپریالیسم است مبارزه مسلحانه شکل عمده مبارزه در ایران است. در دوره گذشته تا کیدما بر جنبه تبلیغی مبارزه مسلحانه به بود. و اگر چه در آن زمان نیز متناسب با رشد جنبش توده‌ای و حداکثر توان خود اشکال دیگر مبارزه را به کار می‌گرفتیم ولی آن شرایط مفروض خود این اشکال و در نتیجه امکان استفاده از آنها را بسیار محدود نگاه می‌داشت و دقیقاً "این شرایط بود که ما را بر آن میداشت تا به جنبه کاتالیزوری برانگیزنده و امید دهنده مبارزه مسلحانه بهای لازم را بدهیم. امروز با تغییرات کیفی ای که در اوضاع سیاسی جامعه ما بوجود آمده، امکان استفاده از اشکال دیگر مبارزاتی بیشتر شده و هم از اینروست که وظایف ما نیز در قبال جنبش متنوع ترو مسئولیت‌هایمان سنگین تر شده است. با خیزش توده‌ها و روی آوردن آنان بسوی مبارزه سیاسی حتی به عالیترین شکل آن یعنی بسوی مبارزه مسلحانه، از طرفی امکان بکارگیری اشکال دیگر مبارزه وسیع گشته است و از طرف دیگر لزوم گسترش مبارزه مسلحانه توده‌ای و سازماندهی مسلح توده‌ها اهمیت یافته و فری کسب کرده است. در همین رابطه و درست با توجه به اوضاع و احوال جدید لزوم بدوش گرفتن وظایف انقلابی، هر چه وسیع‌تر و سنگین تر شده است. برای این مینا مقاله ۳۴ با طرح مساله سازماندهی محله‌ای قصد آبراداشت که در موردی مشخص بعضی از این وظایف را روشن نماید. ولی در انجام این مهم مقاله دچار اشتباهات اساسی گشت.

فیل از هر چیز این نکته قابل ذکر است که مقاله مذکور در ادامه مقاله "در مازندران چه خبر است" نوشته

* عمده بودن شکلی از مبارزه در هر شرایط خاص یک اصل مارکسیستی است و لنین آنرا در جنگ پارتیزانی اسطوره فرموله می‌کند: "در مراحل گوناگون تحول اقتصادی و در رابطه با شرایط مختلف سیاسی، فرهنگی ملی، شرایط زندگی و غیره، اشکالی از مبارزه از جنبه تبلیغی تا فتنه و عمده میشوند و طبق آن سایر اشکال مبارزه نیز که در درجه دوم یا درجات پایین تر اهمیت قرار دارند تغییر می‌یابند."

ده بود و بالطبع مسائل مربوط به آن منطقه را مورد بررسی قرار میداد ولی در مقاله تذکر داده شده است که سازماندهی محله‌ای نیز در مارنسدان مورد نظر است. این موضوع به ظاهر کوچک خود یکی از ایرادات مهم مقاله است. به این دلیل که توهم ایجاد سازماندهی محله‌ای را، در تمام نقاط ایران بوجود میآورد. در حالیکه سازماندهی محله‌ای حتی در تمام نقاط مارنسدان و یازده شهر، در تمام محله‌ها امکان پذیر نیست بلکه توجه به اوضاع و احوال جامعه در این خطه نیز تنها در محله‌ای محدود و جنبین سازماندهی مقدور است. در عین حال عملی ساختن "سازماندهی محله‌ای" را نه تنها شرایط خاص هر شهر، منطقه با محله محدود میسازد، بلکه امکانات رفقای هوادار نیز مطرح است. فی المثل اگر در یک محله امکان سازماندهی محله‌ای وجود داشت اما رفیق با رفقای هوادار با شرایط و وظایف تشکیلاتی فرصت پرداختن به سازماندهی محله‌ای را نداشته و بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که این رفقا حرکت در جهت "سازماندهی محله‌ای" را یکی از وظایف در دستور کار خود ندانند. ولی با درستی ایده‌های مطرح شده در این مقاله تنها از نظر عملی مورد نظر نیست اصولاً باید دانست تحت حاکمیت امپریالیستی جنبین سازمان‌ها، اگر در شرایط خاص بوجود آیند، نمی‌توانند بدون ارتباط با شکل اصلی مبارزه با پایداری مانده و رشد کنند و پایداری و رشد آنان درست در گرو رشد جنبین خلق و جنبین مبارزه مسلحانه در جامعه است.

ما یکبار گفتیم "اگر حکومتی سیخ توده‌ها را نادیده بگیریم، فعالیت‌ها همان در کارخانه‌ها جسدان حطری برای دشمن ندارد. همه این سندیکاها و شوراهای ایکسبند منحل می‌کنند و همه کارگران فعال را یک دم از کارخانه اخراج می‌کنند" ولی مقاله ۳۴ با فراموش کردن این واقعیت و بدون آنکه به چگونگی بسیج بوده‌ها که جز در پیرویه مبارزه مسلحانه امکان پذیر نیست اشاره کند در حقیقت بدون ذکر شرایط رشد سازمان‌های محله‌ای از رشد مستقل آنان در پیرویه خود صحبت می‌کند و با نتیجه این توهم را بوجود می‌آورد که گویا سازمان‌های محله‌ای دزاداً به خود سه پیکه‌ها تبدیل میشوند در حالیکه سه پیکه‌ها نه تنها مل سازمان‌های محلی، بلکه آن شکل سازمانی است که خود محصول مبارزه مسلحانه توده‌ای در گردستان بوده است. بطور کلی اگر بخواهیم اشکالات اساسی دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله را بشکافیم باید بدو مورد اشاره کنیم:

۱ - درکی را که مقاله از ارتباط با توده‌ها ارائه میدهد.

۲ - امر سازماندهی و پیرویه رشد آن

در مورد مسئله ارتباط با توده‌ها مقاله مفهوم آنرا به ارتباط مستقیم توده‌ها محدود میکند و در نتیجه ارتباط مستقیم، و با عبارتی ارتباط تشکیلاتی را تنها راه ارتباط با توده تلقی می‌نماید. البته راه‌های غیر مستقیم ارتباط با توده هم تا حدی مورد نظر سرمقاله هست منتهی در شکل بسیار محدود مثلاً "از طریق بخش اعلامیه و جزوه".

در ابتدای مقاله در قسمت چه باید کرد از رفتن روشنفکران به میان توده‌ها سخن رفته است که خودی خود صحیح است اما هنگامیکه مقاله در وسط این ایده دیگر اشکال ارتباط سازمان انقلابی را با توده‌ها با دیده منکیر دیده‌ها در مجموع درک با درستی از ارتباط با توده ارائه میشود. مثلاً وقتی گفته میشود "هنگامیکه ارتباط با بخشی از توده‌ها به سطح معینی از رشد و تکامل خود رسیده سازماندهی مسلح آنها مسأله است. کنیم در حالیکه درست همزمان با آن با بخشی دیگر تازه شروع به ارتباط گیری نموده‌ایم".

برواصحت که اگر منظور از "ارتباط" چیزی جز ارتباط مستقیم می‌بود می‌بایست از ارتباط با بخش سخن مردم و پس از سازماندهی آنها که خود دنیا زمتدارتباطی مستقیم است صحبت کرد. و با در حمله "ارتباط با کارگران با ارتباط با دهقانان و با ارتباط با اقشار خرده بورژوازی متفاوت است". تکیه تنها بر ارتباط مستقیم شده است در حالیکه ارتباط غیر مستقیم با توده‌ها میتواند جنبه عمومی داشته باشد. مثلاً هنگامیکه ما در اعلامیه‌ای در مورد یک مسئله مهم مواضع خود را مطرح می‌کنیم این اعلامیه را انشای وظایف مختلف می‌خوانند در مورد آن جهت گیری میکنند. در قسمتهای مختلف مقاله نیز این اشتباه بحکم می‌جورد، نتیجه منطقی این اشتباه اینست که تصور کنیم توده‌ها تنها زمانی عرصه مبارزه مسلحانه گسده خواهند شد که سازمان انقلابی با آنان ارتباط مستقیم داشته باشد.

آیا این نظر درستی است؟ برای پاسخ با آن باید دید هدف پیشا هنگام از ارتباط با توده‌ها چیست؟ بطور کلی هدف، سرکداری روی روح و روان توده‌ها، سازمان دادن نیروی آنان و جهت دادن به مبارزه توده‌هاست. پیشا هنگام می‌گویند ما بردن ایده‌های انقلابی به میان توده‌ها آنها را تربیت سیاسی نماید. آنها را بر مافع طبقاتی خود آگاه گردانیم، راه مبارزه و چگونگی پیشبرد ما را انقلاب را آنها یاد دهد. او می‌خواهد

نقشی بر قدرت تاریخی توده‌ها بزنند تا آنها را به میدان مبارزه قطعی بکشاند. این مسئله اساسی است. در حالیکه چگونگی انجام این مهم بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و در رابطه با فرهنگ و سن هر جامعه‌ای متفاوت است. بنابراین بردن آگاهی بزمیان مردم و پیشبرد مبارزاتی خلق محتوای ارتباط پیشاهنگ با توده‌هاست. در حالیکه ایجاد تماس مستقیم با آنها شکلی از اشکال متنوع ارتباط است. در حقیقت پیشاهنگ با دبروی ذهن و پراتیک توده‌ها تا "شیربگذار دولی اینکار با شیوه‌ها و اشکال مختلف می‌تواند صورت بگیرد و نه الزاماً "بیک شکل و بیک شیوه".

مسئله مهم این است که با استفاده از شیوه‌ها و سازمانهای مناسب باید انرژی انقلابی توده‌ها را در مسیری که به پیروزی انقلاب به سرنگونی ارتجاع و به تصرف قدرت سیاسی منجر می‌شود بسازیم و هدایت کنیم.

با اعتقاد ما آن مسیر درست و انقلابی که باید انرژی توده‌ها در آن قرار گیرد مسیر مبارزه مسلحانه است و برای اینکه توده‌ها به آگاهی دست یابند و قدرت تاریخی خود را به نمایش بگذارند راهی جز مبارزه مسلحانه نیست و برای اینکه مبارزه مسلحانه در سراسر پروسه تا رسیدن به آزادی جریان داشته و رشد کند باید کلیه اشکال مبارزاتی را در خدمت آن بکار گرفت. باید بتوان در تمام حوزه‌های مبارزاتی شرکت کرد و آنرا ارتقاء داد. باید بتوان از تمام اشکال مبارزاتی سود جست و مسئله مهم آنست که نتیجه امر در خدمت رشد مبارزه مسلحانه و در خدمت قدرت‌گیری سازمان سیاسی - نظامی باشد.

ولی همانطور که گفته شد مقاله در طرح چگونگی بردن آگاهی بزمیان توده‌ها دچار دید محدود می‌گردد چنان که بدون در نظر داشتن شیوه‌ها و اشکال مختلف ارتباط، عمده‌ترین راه برای آگاهی را ارتباط مستقیم تلقی میکند. در مقاله آمده است باید با توده‌ها ارتباط برقرار کرد. به آنها آگاهی داد و بسیج و متشکلشان نمود تا آنگاه امکان سازماندهی مسلح توده‌ها و تشکیل هسته‌های مسلح کارگری در جریان این حرکت امکان پذیر شود. این جملات خود بخود درست است ولی وقتی منظور از ایجاد ارتباط با توده‌ها صرفاً "ارتباطی مستقیم (یا فوشر از طریق بخش اعلامیه و جزوه) باشد نتیجه قبلی آن این خواهد بود که امکان سازماندهی مسلح توده‌ها و راه ایجاد و گسترش هسته‌های مسلح خلق اساساً "در پروسه مبارزه‌ای صرفاً" سیاسی صورت می‌گیرد معنی جمله فوق چنین است:

ابتدای یک دوره، کار آرام سیاسی می‌کنیم، توده‌ها را بسیج و متشکل می‌سازیم تا آنگاه امکان سازماندهی مسلح توده‌ها بوجود آید. در حالیکه اینطور نیست، هر چه مبارزه مسلحانه در جامعه رشد و گسترش داشته باشد، از طرفی حقانیت این راه هر چه بیشتر آشکار می‌شود و با جا دبه توده‌ای که ایجاد می‌نماید، زمینه تشکیل هسته‌های مسلح را مهیا تر میکند، و از طرف دیگر تحت تأثیر رشد مبارزه مسلحانه در منطقه یا مناطقی از جامعه، توده‌های دیگر ساقط، مبارزات خود را در اشکال دیگر گسترش داده و از این طریق نیز امکان فعالیت وسیعتر پیشاهنگ و امکان تشکیل هسته‌های مسلح بوجود می‌آید. همچنین باید دانست که تحت تأثیر مبارزه مسلحانه و ضرورت‌هایی که در جامعه وجود دارد، بخشی از توده‌ها خود مسلح شده و این وظیفه پیشاهنگ خواهد بود که رهبری آنها را بعهده گرفته و آنرا پیش ببرد.

ذکر دو نکته نیز ضروریست، هنگامیکه مقاله تنها بر ارتباط مستقیم پیشاهنگ با توده تکیه می‌نماید، طبعاً "به نتایج غلط دیگری نیز میرسد. مثلاً" هنگامیکه مقاله مطرح می‌کند که: مردم محل باید در جریان ارتباط مداومی که با رفقای هوادار پیدا میکنند و در جریان بحث‌ها، رفقای ما را بعنوان اشخاصی که بهترین نظرات را دارند و بهترین راه حل‌ها را ارائه میکنند، بشناسند و آنگاه است که به اعتبار این نظرات و شخصیت رفقای هوادار را و نقطه نظرهای جریکهای فدائی خلق نیز در دل مردم محل جا باز خواهد کرد. (تأکید مربوط به مقاله شماره فعلی است)

این نکته صحیح است که عملکرد شخصی افراد و شخصیت مبارزاتی آنان در اعتبار بخشیدن به جریان انقلابی - سیاسی ایکنه‌ها و وابسته و معتقدند مؤثر است و نیز این نکته صحیح است که هواداران در ارتباط مستقیم خود میتوانند معرفت جریان انقلابی خود را بشناسند. اما در اینجا یک نکته اساسی نادیده گرفته شده است و آن اینکه همواره عامل تعیین کننده در شناخت توده‌ها از یک سازمان انقلابی نه افراد تشکیل دهنده آن، بلکه عملکرد اجتماعی این سازمان انقلابی است.

با در مقاله آمده است:

"... چگونه میتوان فی المثل ارکارگرانی که هنوز جریان ما و با حداقل رفقای را که در محدوده محل آنها فعالیت میکنند، نمیشناسند و با نتیجه شناختی نسبت به جریان یا این رفقا ندارند، گره مغالفتی

سبزبان ندارند، خواست که مسلح شده و تحت رهنمودهای ما به حرکت درآیند." زمانیکه ارتباط این حملات را با سایر مفاهیم مندرج در مقاله در نظر بگیریم، آنگاه در میابیم که این مفهوم غلط به خواننده مقاله القاء میشود که گویا تنها زمانی میتوان از کارگران خواست که تحت رهنمودهای جریکهای فدائی خلق ایران مسلح شوند که با آنان ارتباطی مستقیم داشته باشیم. در اینجا نیز مجموعه تاء شیری-انی که عملکرد جریکهای فدائی خلق بر اقشار و طبقات مختلف میگذارد، نادیده گرفته میشود و تنها بر ارتباط مستقیم تکیه میشود.

همچنین باید گفت یکی از راههای شناساندن جریکها به کارگران همانا طرح شعارهای مسلح شدن است و اصولاً جریکها از شعارهای خود جدا نیستند. کارگران باید بدانند کسانی که آنها را دعوت به مسلح شدن میکنند، جریکهای فدائی خلق هستند، هم اکنون ما بدون آنکه با تمام کارگران ایران تماس مستقیم داشته باشیم، از آنها میخواهیم که مسلح شده و تحت رهنمودهای ما به حرکت درآیند.

دومین ایده غلط مطرح شده در مقاله خبرنامه ۲۴ درباره مسأله سازماندهی تودههاست. البته مقاله سدر همه جا مسأله ارتباط با تودهها را با سازماندهی آنان یکجا ذکر کرده است. باید دانست ارتباط پیشاهنگ با تودهها خود پیروسی راطی میکند و مسلماً "از اشکال ساده تری آغاز شده و در نقطه ای تغییر کیفی در آن رخ می دهد و ارتباط توده با پیشاهنگ اشکال عالیتری متنوع تری بخود میگیرد. مثلاً اگر جریکهای فدائی خلق از سال ۴۹ با انجام عملیات مسلحانه رابطه ای غیر مستقیم ما بین خود و تودهها برقرار کردند، این ارتباط در ادامه رشد خود به ارتباطی مستقیم و عالی تبدیل شد. حمایت معنوی خلق جای خود را به حمایت مادی داد و در رابطه سازمان جریکهای فدائی خلق (که دیگر کارگران اپورتونیستها شده بود)، با تودهها تغییر کیفی ایجاد گشت. ولی مقاله این مسأله درست را بنا درست با پیروسی چگونگی رشد اشکال سازمانی تودهها درمی آمیزد و میگوید: "اگر ما هدف خود را تشکیل هسته های مسلح خلق و در نهایت تشکیل ارتش خلق قرار داده ایم، این شکل از سازماندهی عالیترین شکل سازماندهی خلق است و برای رسیدن به عالیترین شکل میباید کسار از اشکال ساده تر آغاز نمود."

در این جمله هسته های مسلح خلق عالیترین شکل سازماندهی خلق تلقی شده است که بنا درست است. هسته های مسلح خلق تنها مرحله ای از پیروسی تشکیل ارتش خلق می باشد. اما مهمتر از آن در جمله فوق آمده ای سادوستی مطرح شده است: "ظاهراً" مقاله حکم درستی ما در کرده است که برای رسیدن به عالیترین شکل، می-باید کار را از اشکال ساده تر آغاز نمود. با اینحال همانطور که مشاهده شد، عالیترین شکل تشکیل از نظر مقاله هسته های مسلح خلق است. بنا بر این باید پرسید اشکال ساده تشکیل چیست؟ مقاله بروشنی مطرح میکند: "اگر کمان کنیم میتوان بدون گذراندن مراحل ساده ارتباط با تودهها و اشکال ساده تر تشکیل توده ای ناگهان به این مرحله (به مرحله تشکیل هسته های مسلح) جهید، این تفکر....." و یا میگوید: "برای تحقق این دو شعار (پیش بسوی سازماندهی مسلح تودهها و پیش بسوی مسلح کارگری) که عالیترین شکل سازماندهی تودهها را برای تحقق اهداف استراتژیک بیان میکند، باید اشکال ساده تر ارتباط و اشکال ساده تر سازماندهی متحقق شود." همانطور که میدانیم، مقاله این احکام را در رابطه با ضرورت ایجاد سازماندهی محله ای ذکر میکند. بنا بر این معلوم میشود که سازمانهای محله ای و هر تشکلی از این قبیل از نظر مقاله ۳۴ شکل ساده ای هستند که بعد از گذراندن مراحل رشد خود به مرحله تشکیل هسته های مسلح خواهند رسید (بعد از گذراندن آن مراحل میتوان به این مرحله "جهید") و برای تحقق شعار مثلاً "پیش بسوی هسته های مسلح کارگری باید گفت ایراد اساسی ای که در این نظر نهفته است، از عدم توانایی در پیاده کردن قانون رشد پدیده از ساده به پیچیده در چگونگی رشد اشکال سازمانی تودهها ناشی شده است. مقاله دو پدیده متفاوت سازمانهای محله ای و هسته های مسلح را پدیده ای واحد تلقی میکند و مطابق اصل فوق الذکر پدیده اول را ساده و دومینی را پیچیده ذکر میکند و دومی را نتیجه رشد اولی میدانند و فراموش میکنند که هر پدیده ای قانون مندیهایی خاص خود را دارد و فقط منطبق با قانون مندیهایی خود میتواند پیروسی رشد از ساده به پیچیده راطی نماید.

تخم گل اطلسی در زمین مناسب گیاه اطلسی را بوجود میآورد، در حالی که تخم مرغ در شرایط مناسب به حوجه تبدیل خواهد شد. سندیکای نوپا بعنوان تشکل اقتصادی طبقه کارگر در پیروسی رشد خود میتواند به سندیکائی با تحارب عالی مبارزاتی تبدیل شود، ولی هیچ سندیکائی حتی سندیکای سرخ به حزب تبدیل نمیشود. و بر همین مبنا هسته های مسلح خلق حاصل پیروسی رشد سازمانهای محله ای و تشکلهایی از آن قبیل نیست. لکن الزام آور نیست که برای تشکیل هسته های مسلح خلق ابتدا چنین اشکال ساده سازماندهی متحقق شود. تحقق

حنین اشکال ساده تشکیل البته لازمند و پیشاهنگ حتماً "باید در اینجا دوارتقاء سطح مبارزاتی آنان بکوشد ولی نه برای آنکه منتظر تحول آنها و تبدیلشان به تشکلی از نوع دیگر باشد، بلکه از آنروکه چنین تشکلهایی برای ارتقاء سطح آگاهی مردم و مبارزه آنان ضروری است و پیشاهنگ میتواند اندازه آنها در خدمت رشد شکل اصلی مبارزه بود و جوید. چنین اشکالی حتی در زمانی که شکل عالی تشکیل توده‌ای یعنی ارتش خلق بوجود آمده است، می‌نواند به حیات خود ادامه دهد. اصولاً باید توجه داشت در یک جامعه آگاهی توده‌ها در یک سطح قرار ندارد. توده‌ها (بخشاً) از سطح آگاهی بالائی برخوردارند و میتوانند در رابطه با سازمانی انقلابی در تشکلهای عالی سازمان‌یابی شوند. در حالیکه بخشی دیگر هنوز توان مبارزه در سطوح عالی را ندارند و لاجرم باید در تشکلهای ساده تر سازماندهی شوند. مسلماً "حرکت سیالی در درون هر تشکلی در جریان است و در حالیکه خودتشکل تا آنجا که شرایط امکان‌پذیری آنرا تضمین کند بجا میماند، دائماً عناصری داخل آن شده و عناصری از آن خارج میشود. همچنین خودتوده‌ها همیشه مبارزاتشان را از اشکال ساده شروع کرده و به اشکال عالی تر مبارزه کشیده میشوند، ولی پیشاهنگ باید آنها را متناسب با سطح آگاهی و آمادگی مبارزاتیشان در تشکلهای مناسب سازماندهی کند. این تصور غلطی است که گمان کنیم نمیتوانیم هر بخش توده را بدون اینکه قبلاً در تشکلهای ساده سازماندهی کرده باشیم در سازمانهای عالی قرار دهیم. شکی نیست، تشکلی که برای بخش آگاه‌تر خلق لازم است و بوجود میآید، همان تشکلی نیست که توده‌های عقب مانده در همان زمان در آن قرار میگیرند. توده‌های آگاه خود نقش بسیار ارزنده‌ای در کشیدن توده‌های عقب مانده بر صحنه مبارزه بازی میکنند و فقط از این طریق است که میتوان انرژی قسمت اعظم خلق را در مسیر درست انقلاب کانالیزه نمود. این واقعیتی است که یکبار دیگر غیر علمی بودن نظرات اپورتونیستهای جامعه ما را که از عدم آمادگی همه توده‌ها برای مبارزه مسلحانه سخن میگویند و منتظرند تا همه آنان آگاه شده و آنگاه زمان آغاز مبارزه مسلحانه فرارسد، نشان میدهد و به آن خط بطلان میکشد. * بنا بر این "اولاً" باید دید که هر تشکلی نتیجه پروسه رشد کدام شکل است. اگر در پروسه رشد پدیده‌ها دچار اشتباه شویم، آنگاه فی‌التمثل ارتش خلق را نتیجه رشد سندیکا‌های سرخ و یا حزب را نتیجه رشد شوراهای کارگری خواهیم دانست و بالنتیجه در جریان عمل میکوشیم تا از رشد سندیکا‌ها به ارتش و از رشد شوراهای حزب برسیم که هیچیک ممکن نبوده، زیرا هر کدام از آنها پدیده‌ای با پروسه رشد مستقل خود میباشند و تا نیا" با توجه به سطح آگاهی و آمادگی مبارزاتی متفاوت مردم نمیتوان در کنار تشکلهای ساده به ایجاد تشکل - های عالی تر پرداخت، بدون آنکه دومی الزاماً نتیجه رشد اولی باشد. برای این مبنا مطالب مقاله ۳۲ مبنی بر اینکه، برای تحقق سازماندهی مسلح توده‌ها ابتدا باید اشکال ساده تر سازماندهی - از آن دست سازماندهی که مقاله‌ها را ته کرده است - متحقق شود و یا "بدون گذراندن مراحل ساده، ارتباط با توده‌ها و اشکال ساده تر تشکیل توده‌ای ناگهان به این مرحله جهید." (تأکید از مقاله فعلی است) هم بدلیل آنکه سازمان را میتوان از همان ابتدا در تشکل‌های عالی سازماندهی کرد، منطبق بر واقعیت نیست.

امروز با رشد مبارزات فدا میریالیستی خلق‌ها تجارب گرانقدری در اختیار ما قرار گرفته است و دقیقاً نظرات جریکهای فدائی خلق را در سازماندهی موردتوجه "باید قرار میدهد. بعد از سقوط شاه مبارزه مسلحانه توده‌ای در مناطقی از ایران آغاز شد. مبارزات قهرمانانه خلق کردیم اکنون نیز جزیان دارد و در حال رشد و گسترش میباشد. از طرفی باید پرسید آیا سازمانی هست که مدعی آن باشد قبلاً" از طریق کار آرام سیاسی خلق کرد در تشکلهای صنفی و صنفی - سیاسی متشکل کرده و آن‌ها را به ضرورت مبارزه مسلحانه آگاه کرده بود؟ بیشک این آگاهی را خلق کرد در طی تجارب مبارزاتی خود و تحت تأثیر مبارزات پیشگامان انقلابی خویش همچون قاضی محمد، ملا آواره، اسماعیل ممینی، شریف زاده و جریکهای فدائی خلق ایران بدست آورده‌اند ولی نمیتوان گفت توده‌های کرد اینتدر پروسه مبارزه صرفاً "سیاسی و بعداً از اینک تشکلهای غیر مسلحانه را از سر گذراندند، آماده مبارزه مسلحانه و آماده تشکیل در سازمانهای نظامی گشتند. از طرفی دیگر باید گفت رشد

* - امروز اپورتونیست‌ها نسبت به جنگ توده‌ای خلق کردی اعتنا هستند و از گسترش آن جلوگیری میکنند. دلیلشان هم اینست که در دیگر نقاط ایران مبارزه در سطح کردستان نیست. آنها به کردستان رفتند تا به مردم ثابت کنند که راه رسیدن به آزادی کار آرام سیاسی و از این طریق تشکیل حزب طبقه کارگر است و قبل از تشکیل حزب نمیتوان دست به مبارزه مسلحانه زد. بنا بر این حضور آنها در کردستان از آنرو نیست که همراه با این بخش آگاه خلق با گسترش مبارزات آنان، خلقهای دیگر نقاط ایران را بیدار کنند و مبارزه فدا میریالیستی خلقها را همگوش بکنند، بلکه آنها میخواهند خلق قهرمان کرد را متوجه اعمال آنها ریشیستیشان بنمایند.

مبارزه مسلحانه در کردستان تا شبرات خود را در دیگر نقاط ایران بجا میگذارد. این مبارزه از طرفی هم در شدیدتفادهای درونی هیئت حاکمه تا شرمیگذازد و هم از برقراری کامل نظم امپریالیستی ممانعت میکند و در حقیقت با کاهش قدرت سرکوب حکومت امکان مبارزه در دیگر نقاط را فراهم کرده و از طرفی دیگر با تاخیر گذاری بر روی خلقهای دیگر نقاط ایران و تقویت روحیه مبارزاتی آنان باعث آن میشود که اولاً این خلقهای حقانیت مبارزه مسلحانه خلق کرد به تدریج آگاه شوند و راهگشائی مبارزه مسلحانه را بهینه تجربه کنند و هم با گسترش مبارزات خود در هر سطح و شکلی و ارتقاء آن تا حد مبارزه مسلحانه به گسترش هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه خلق کرد کمک نمایند.

میبینیم رشد مبارزه مسلحانه در جامعه ما حتی در حد کنونی نیز به این نظر که پیرو سه انقلاب ایران را از دو استراتژی منفک از هم - استراتژی سیاسی و استراتژی نظامی - که دومی مرحله بعدی اولی باشد، خط بطلان میکند. همانطور که تجارب این مبارزات نشان میدهد که هیچ شکلی از مبارزه بدون وجود شکل اصلی آن یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بقا و دوام نیست و قدرت اشکال دیگر مبارزه در بسیج و متشکل کردن توده ها و پیشبرد مبارزه در راهبها مبارزه مسلحانه امکان پذیر و موثر است و در همین رابطه است که " اگر در روسیه آن طبقه اجتماعی که اعلان جنگ میدهد تا شروع به جنگ نماید، هر چه پر جمعیت تر و مضموم تر باشد بهمان نسبت نیز با این اعلان جنگ اهمیت معنوی بیشتری کسب مینماید، امروزه در اینجا اعلان جنگ خود جنگ است. این دو جدائی - ناپذیرند. اهمیت معنوی جنگ وابسته است به اهمیت مادی آن و پیشرفت مادی آن وابسته است به اهمیت معنوی آن."

بطور کلی باید گفت مقاله ۳۴ با غلطیدن بدواً اشتباه اساسی، دیدگاهی مغایر با دیدگاه جریکهای فدائی خلق را القاء میکند و بدین جهت چه تهیه کننده مقاله و چه دیگر رفقا بعد از تعمق در باره مطالب آن به این نتیجه رسیده اند که این مقاله نمیتواند مورد تائید قرار گیرد، و از آنجائی که کتب و مقالات و دیگر آثار منتشره از سوی یک سازمان سیاسی باید تبلور و توضیح دهنده مشی آن سازمان باشد، مقاله خبرنامه ۳۴ بدلیل وجود دیدگاههای نادرست در آن که متفاد با تئوری مبارزه مسلحانه است، نمیتواند جزو اعتقادات ما قلمداد گردد. عده ای از رفقای هوادار با خواندن مقاله ۳۴ بی بنیاد درستی مسائل مطرح شده در آن بردند و آنرا مورد نقد قرار دادند. این بیانگر هشجاری رفقا و ناشی از درک عمیق آنها از تئوری مبارزه مسلحانه است و نشان می دهد که این رفقا مسئولیت و وظایف خود را در اشاعه ایده های انقلابی و تصحیح ایده های غلط درک کرده اند. ولی عده ای از رفقا نیز نتوانستند نادرستی مسائل مطرح و در باره یافته و با آن برخورد نمایند. این دسته از رفقا باید بکوشند بیش از پیش تئوری مبارزه مسلحانه را با موزند تا قدرت برخوردنقا دانه و خلاق در آن سازمان پرورش یابند.



همنگامی که بخاطر گروگان گرفتن جاسوسان آمریکائی، دولت آمریکا در روز ۲۳ آبان ۱۳۵۷، اعلام نمود که کلیه روابط خود را با ایران قطع کرده است، سردمداران حکومت جمهوری اسلامی برای فریب مردم اعلام نمودند که: " این قطع رابطه را باید جشن گرفت! اما امروز که آنها میخواهند جاسوسان آمریکائی را آزاد نمایند، جزو شروط خود می - نویسند: " ۲ - و دستور ۲۳ آبان ۱۳۵۸ رئیس جمهور آمریکا دستورات پس از آن یعنی برانسداددارا شیهای ایران کان لم یکن اعلام گرد و بیا زگشت به شرایط عادی روز قبیل از ۲۳ آبان در مورد کلیه روابط مالی فیما بین و رفع هرگونه اثرات ناشی از این دستور از قبیل تها ترهای انجام شده و ۳ - لغو و ابطال کلیه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران و"

بانک ایران و انگلیس

مصوبات مجمع عمومی بانکها مربوط به صورتهای مالی مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

مجموع عمومی بانکها مربوط به ترازنامه مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۷ و حساب سود و زیان برای دوره مالی منتهی به همان تاریخ که در صفحه ۱۱ شماره ۱۱۱۰۳ مورخ ۵۹/۷/۱۵ این روزنامه درج شده قسمتی از مصوبات مجمع عمومی بانکها منعکس نگردیده بود که بدینوسیله جهت اطلاع عموم اعلام میگردد.

و نظر با اهمیت نقش بانکهای کشور در توسعه اقتصادی، بالاجری در امور تولیدی، صنعتی، معدنی و کشاورزی در جهت اجرای سیاست و برنامههای تولیدی دولت جمهوری اسلامی ایران و نظیر سایرین پرداخت سرودهای مردم توسط دولت تضمین گردیده و همچنین بمنظور جلوگیری از افزایش مشکلات بیکاری و بالاخره در نظر گرفتن مفاد قوانین مربوط به ملی کردن بانکها و طرز اداره امور آنها مجمع عمومی بانکها در جهت تدابیر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده باستناد قانون اجازه تأمین سرمایه بمنظور تدابیر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده مصوب جلسه مورخ ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تصویب نموده پس از وضع اندوختههای سنوایی معادل ۲۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال از زیان پایان دوره مالی منتهی به ۱۳۵۸/۳/۱۷ مبلغ ۱۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت حیران زیان و تأمین کسری سرمایه تا مبلغ ثبت شده و پرداخت شده از محل منابع بانک مرکزی ایران تأمین و پرداخت گردید.

ش ۴۶۶۵

بانک ایران و خاورمیانه

مصوبات مجمع عمومی بانکها مربوط به صورتهای مالی مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

مجموع عمومی بانکها مربوط به ترازنامه مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۷ و حساب سود و زیان برای دوره مالی منتهی به همان تاریخ که در صفحه ۱۱ شماره ۱۱۱۰۳ مورخ ۵۹/۷/۱۵ این روزنامه درج شده قسمتی از مصوبات مجمع عمومی بانکها منعکس نگردیده بود که بدینوسیله جهت اطلاع عموم اعلام میگردد.

ش ۴۶۶۷

بانک اعتبارات ایران

مصوبات مجمع عمومی بانکها مربوط به صورتهای مالی مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

مجموع عمومی بانکها مربوط به ترازنامه مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۷ و حساب سود و زیان برای دوره مالی منتهی به همان تاریخ که در صفحه ۱۱ شماره ۱۱۱۰۳ مورخ ۵۹/۷/۱۵ این روزنامه درج شده قسمتی از مصوبات مجمع عمومی بانکها منعکس نگردیده بود که بدینوسیله جهت اطلاع عموم اعلام میگردد.

ش ۴۶۶۶

مجموعه ۵
شنبه ۳ آبان ماه ۱۳۵۹
۱۵ ذیحجه ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۱۲۵

بانک بین المللی ایران و ژاپن

مصوبات مجمع عمومی بانکها مربوط به صورتهای مالی مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

مجموع عمومی بانکها در جهت تدابیر تأمین سرمایه بمنظور تدابیر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده مصوب جلسه مورخ ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود پس از وضع اندوختههای سنوایی معادل ۹۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال از زیان پایان دوره مالی منتهی به ۱۳۵۸/۳/۱۷ مبلغ ۹/۶۲۴۳۴۷۱/۰۷ ریال بابت حیران زیان و تأمین کسری سرمایه تا مبلغ ثبت شده و پرداخت شده از محل منابع بانک مرکزی ایران تأمین و پرداخت گردید.

ش ۴۶۶۸

رژیم جمهوری اسلامی در حرف مدعی است که حامی

" مستضعفان " است ، اما در عمل جز خیانیت بیمنافع توده ها کاری نمیکند . حمایت از سرمایه داران و - حفظ و ترمیم ارگانهای امپریالیستی و سرکوب - حواسته های کارگران ، دهقانان و دیگر زحمت کشان اعمالی هستند که ماهیت واقعی رژیم را نشان میدهند .

بریده های آروزنا مه که در پیش رود آریسد ، گویای آنست که در شرایطی که بیکاری ، گرانسی ، فقر کمبود مواد غذایی و توده های وسیع خلق را در حنگال شوم خود می فشارد . در شرایطی که دولت برای کوچکترین هزینه ها مردم کدائی میکند ، بیش از پانزده میلیارد (۱۵/۱۲۴/۳۴۷/۰۶۷) ریال " بابت حیران زیان و تا " مین کسری سرمایه " به چهار بانک سپردا زد .

آنها که در حرف مخالف ربا خواریند ، در عمل سرمایه ربا خواران را تا " مین می کنند .

رژیم جمهوری اسلامی به بانکها بابت حیران " زیان " !! سرمایه میدهد تا بتوانند همچنان شیره جان زحمتکشان میهنمان را بکنند . حکومتی که سه میلیارد ها ریال به بانکها می پردازد ، گندم دهقانان را به قیمت نازل کیلوئی ۲۰ ریال میخورد و

هرگ برفریبکاران و دغلبکاران

جمهوری اسلامی شماره ۴۰۴ سال دوم - ۱۳۵۹ - صفحه ۹

دولت درازای
هر کیلو گندم ۳ ریال
گمک جنسی به
کشاورزان میدهد

جاری بقوار هر تن گندم خالص
بست هزار ریال مصلی مصلی
به هزار ریالی بازا هر تن گندم
خالص تحویل مصلی مصلی
گمک کشت زمان گمک بطور
جیبی هر تن کشاورزان
گردد ریال مصلی
سر ۷۰ ریال

بنا به پیشنهاد وزارت کشاورزی
و عمران و مسکن شورای عالی
اقتصاد مرحله مورخ ۱۳۷۳۰
تصویب گرده منظور گمک به
کشاورزان و عمران مصلی
فرهنگهای کشت گندم در شرایط
کشتی کشور از هم اکنون علاوه
بر نرخ کشتن خرید گندم سال

هنگامیکه فریاد دهقانان از این همه اجاف بلند شد، تنها ۳ ریال، آنهم بعنوان گمک "جنسی" به قیمت خرید گندم می افزاید، تا باین ترتیب از یکسو نتواند اعانده کند که به دهقانان "گمک" کرده است و از طرف دیگر از طریق پرداخت ۳ ریال به "جنس" کالی سرمایه داران را به فروش رساند.

اعلامیه ای از کارگران پشاهنگ اراک - هواداران جریکهای فدائی خلق ایران

سرمایه داری وابسته عامل اصلی فقر و گران

دیوگرانی با کارگران و زحمتکشان دست و پنجه نرم میکند و سرمایه داران وابسته براحتی بزندگی زانو صفت خود ادامه میدهند. گوشت کیلوئی ۶۰ تومان را سرمایه داران براحی میخرند و میوه را هم با سالی برای فرزندان خود فراهم میکند. فرزندان سرمایه دارها در ایام تعطیل به هر کجا که دلشان خواست مسافرت می - کنند و تاسنانها را در کنار ویلاهای شخصی خود خوش میگذرانند و بعد هم در بهترین مدارس اروپا و یا ایران ادامه تحصیل میدهند. ولی فرزندان مازحمتکشان و محرومان پائین شهرتایستانها با بدکارکنند و اسل - تحصیل خود را فراهم کنند.

دولت وابسته از سرمایه داران حمایت میکند و به کارگران و زحمتکشان فقط وعده میدهد. بنی مدرکف میتواند گران را درک کند که ونه میتواند آنرا از بسین ببرد، فقط مرشد دم از امنیت بیشتر برای رفاه سرمایه داران میزند.

زحمتکشان و کارگران سوال میکنند که علت این همه گران و بیکاری چیست ؟ مگر اینها (هیئت حاکمه زمانی که در خارج بودند، هزاران وعده بمان میدادند؟

جریکهای فدائی خلق، حامیان راستین کارگران و زحمتکشان به آنها میگویند دلیل اصلی اینست که هیئت حاکمه با منشاء همه این بدبختیها یعنی امپریالیسم سازش کرده است. کارگران و زحمتکشان با جریکهای فدائی خلق، این پشاهنگان مسلح خود، متحد میشوند و بساط سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را در هم میکوبند و تا سودی کامل بپره کشتی فردا ز فردا زیا نخواهند نشست.

مرگ بسرا امپریالیسم و سگهای زنجیریست
نا بود با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم
زنده با دمبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است
با ایمان به پیروزی راه مبارز
" کارگران پشاهنگ اراک - هواداران جریکهای فدائی خلق ایران "

بای صحبت یک کارگر

میکرود - بازار ماهی فروشان

" کارگر روز مردم . ۶ طفل دارم . اوراق خیلی گران است . اگر اطفال من مریض شوند ، باید در " سر - بازار " دست گذاری بطرف مردم دراز کنم و برای معالجه ان پول جمع کنم . پایه زندگی کارگر خراب شده . سراسر ماه رمضان که آفتاب ان بولداریها میسوه و فوت می خوردند . من بچه هایم را با وعده و وعید و سکوت ساکت می کردم . خوب شد که خیلی پیش از این خانه ای ساختم ، و گرنه حالا که بولی بدست ما نمیرسد . نه جمهوری اسلامی رای دادم ولی از نظفهای بسی - عدر مهمندم که نمی تواند کار کند . آنطور هم که این آفتاب خنک می کند نیست ، کارگر هم درک دارد . " ان کارگر خمی که ما برابری را با تمام وجود - تن لیس می کرد ، در مورد اختلافات طبقاتی می گفت :
" سم است که برابری نبود . یکی بزرگ است ، یکی کوچک . "

گفتم : " منظور ان ایست که تا بنده میطور معاند ؟ " گفت " حالا هستیم تا بسیم خدا چه می کند . ولی ان حکومت کارها بش از روی فرآن نیست . اگر هم حرف برسیم میگوید صد انقلاب و آدم را می کشند . اما ان هم نمی دهد . " گفتم : " ولی انها می گویند ما داریم عدل علی را پیاده میکنیم . " گفت : " گفتم که برابست ان حکومت فرآنی نیست یعنی عدل علی منظور نیست که بکنند ، رود رود ؟ " همیشه طغیان دارا خلاص می کند رحمتکشان را از مبارزه باز دارند . آنها می کوسند و هوسور هم می کوشند که ثرونی را که بفارت برده اند در سرد رحمتکشان لطف خدا و نندست ب خودشان بلمداد کنند . آنها سعی می کنند به رحمتکشان بگویند تا بوده حبس بوده . در حقیقت وقتی آنها خود را مسئول " عیالان خاص " خداوند و امودی کنند ، می خواهند در دنیا ، ربا عواربها ، گران فروشبها ، حق کشبها ، کلامبرداربها و همه دیگر اعمال کشیف خودشان را بپوشانند . خلاصه آنها به هر وسیله می خواهند بگویند ما می نامت همس با نیم که هستیم . اینکه " پنج انگشت برابری بود " هم یکی دیگر از جمله های همین طبقات دارا است "

اما ما لآخره رحمتکشان و در پیشا پیش آنها کار - ثران انقلابی بر و برابره های نظام طبقاتی موجود ، دسای آرا خود را تا می بید که روابط موجود در آن سمح ماهنی به هیچ انکت با مساوی ندارد .

آذر شهر :

۵۹/۷/۱۰ - روحانی نما عظیمی امام جمعه آذر شهر در نماز جمعه اعلام کرد : " زمینهای کبسه مصادره و در اختیار افراد گذارده شده اند فانوسی نبوده و باید به صاحبان آنان بازگردانده شود " (بقل بمعنی) حرفهای اس روحانی نما ادا مه همان قصه رسوای دولت جمهوری اسلامی حامی سینه چاک مستمعان - ن است ! که بارها و بارها از دهان همه آنها شنیده ایم - داران با هم تبادل نظر نمودند و در غروب هما نروز - فمد جمله به ما ختمانهای نیمه تمام زحمتکشانی را داشتند که این زمینها را مصادره کرده بودند تا در آن سر - بیاهی برای خود سازند . در نتیجه معاومت مردم و حمایت نیروهای انقلابی ار آنان ، ایسار سیریسر زمینداران که امام جمعه و دولت نیز بسبب ان آساند به سنگ خورد .

بهر حال ایسار انکون مسئول نوظنه جینی اند ، اما عاقل از آنکه رحمتکشان بیدارند و پاسخ مناسب را به آنها خواهند داد . از همان پاسخ هایی که میکوبد : کلوج انداز را با دای سنگ است .

نبر سبزی زیبا شد !!

ملای " زیبا ساری " دامنگیر تبریر نیز شد . شهرداری تبریز خطاب به دکه داران اعلامیه ای در این مورد صادر کرد . در این اعلامیه آمده بود که تا مدت تعیین شده باند ساط خویش را رجیدند تا هر کسه بدلیل وجود این دکه ها زشت شده است زیبا گردد ! آری از نظر حاکمین وقت دکه ها که تنها وسیله امرار معاش بسیاری از زحمتکشان جامعه است باعث زشتی شهر میشود . آنها که شکمهای سیردارند رشت و زیبا را اینگونه میبینند . معیار آنها گرسه ماندن هزاران نفر که در بی جمع آوری دکه ها حاصل می شود نیست . آنها به تنها چیزی که می اندیشند مسائل رحمتکشان است . وبهمین دلیل است که زیبا بی را در سیکار بیودن و گرسه ماندن بسیاری از مردم می بینند . در حریان برجیدن سباط دکه داران حاج - بردانی رئیس زندان تبریز که سابقه او برای بسا - ری از مردم تبریز روشن است شخصاً دخالت کرده و در حیایانهای شهر براه افتاد و به دکه داران اخطار می - نمود . او در جواب دکه داران که می پرسیدند خرج زن و بچه هایمان را از کجا تامین کنیم میگفت : شماره بردان میانندازیم . آنجا برای شما و رشتان حاجت ، بچه هایبتان راهم میساریم به پرورشگاه .

دیر نیست روزی که آنها سیر فریاد بر آورند : بساطمان برکنید بساطتان برکنیم

((گزارش از لایحه‌های وزارت دارایی دکتور عبیدی))

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی چهره ضدکارگری خود را به نمایش گذاشت. رژیم ضد خلقی حاکم که در اثر ساریت‌ها امیربالیست‌ها و سایر اسفاده‌ها از قیام و اعتماد نوده‌ها بروی کار آمد تا کمون شان داده است که سمخواه دوسمی تواندگامی در جهت بهبود وضع کارگران و دیگر افسار و طبقات خلق بردارد. کارگران ما به حوسی می‌داند که همان روابط و ضوابطی که در رژیم گذشته بر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی حاکم بود، بی - کم و کاست و حتی در مواردی شدیدتر از گذشته، توسط رژیم کنونی و ارگانهای سرکوبش به اجرا در می‌آید. هر جا که خود کارگران در جهت لغو قوانین ضدکارگری دست به کاری زدند، با یورش عوامل سرسپرده رژیم مواجه شدند. چرا که رژیم مفاع خود را در حفظ سیستم وابسته موجود می‌بیند. نباید فراموش کرد که در شرایط کنونی سراسر جهان امیربالیستی را بحزاسی عظیم فرا گرفته است. کشورهای امیربالیستی برای کاهش بحران هیچ راهی جز سرشکن کردن بحران بین کشورهای وابسته خود ندارند. کشور ما هم درست به دلیل وابسته بودن خود، از سراسر بحران دسیای سرمایه‌داری در امان نیست. امروز بحران جهان سرمایه‌داری تا رو به کشور تحت سلطه ما را فرا گرفته است و حکام وقت برای رهایی از عواقب این بحران، فشار خود را بر توده‌های رحمتکش کشور ما افزایش می‌دهند: اجزای کارمندان دولت به بهانه‌های مختلف، کاهش حقوق کارمندان، افزایش مالیات‌ها، افزایش نرخ ارزاق عمومی، گران کردن قیمت آب و برق مصرفی (سرمداران رژیم کنونی فعل از قیام وعده‌های فراوانی در مورد لغو قیمت آب و برق به توده مردم داده بودند)، لغو سود ویژه کارگران و..... از جمله کوششهای رژیم برای سرشکن کردن بحران بروی مردم زحمتکش ماست. همزمان با این اقدامات ضد مردمی، رژیم حامی سرمایه‌داران وابسته، میلیاردها تومان به سرمایه‌داران وابسته وام داد. میلیاردها تومان صرف خرید اسلحه برای سرکوب توده‌ها نمود و تقریباً "همزمان با لغو قانون سود ویژه کارگران امکانات رفاهی ارتشیان را افزایش داد و حتی حقوق ارتشیان بازنشسته (جنابکاران رژیم شاه) را اضافه کرد. رژیم برای نجات خود محبوس است بیشترین فشار را بر زحمتکشان وارد نماید. این چیزی است که زحمتکشان سپهسالار در زمان رژیم محمد رضا شاهی وجه افروز، با تمام وجود خود آنرا لمس می‌کنند. آنکه در لایحه‌های وزارت دارایی دکتور عبیدی به اجرا در می‌آید، از این قاعده مستثنی نیست. اجرای قانون لغو سود ویژه در لایحه‌های وزارت دارایی دکتور عبیدی اهداف ضدکارگری رژیم را برای کارگران روشنتر ساخت.

مدیران لایحه‌های وزارت دارایی گذشته تنها مبلغ ناچیزی به عنوان "علی الحساب سود ویژه" به کارگران پرداخت کردند و وعده بقیه سود ویژه را بعداً "بپردارند". مبلغی که در اسفند ماه سال قبل بعنوان "علی - الحساب سود ویژه" به کارگران پرداخت شد عبارت بود از: کارگرانی که یکسال و بیشتر سابقه کار داشتند مبلغ ۲۷۰۰ تومان و آنهایی که ۶ ماه تا یکسال سابقه کار داشتند مبلغ ۱۲۰۰ تومان دریافت کردند. تاکنون سه ساله ما بقی سود ویژه سال گذشته به کارگران پرداخت شده است بلکه بدنیال لغو قانون سود ویژه از سوی شورای انقلاب هیئت مدیره دولتی کارخانه به انکار، و تاء بعد وزارت کار طی بخشنامه‌های اعلام کرده کنار - گران باید بخشی از "علی الحساب سود ویژه" دریافتی را نیز باز پس دهند.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ مدیران کارخانه طی بخشنامه‌های اعلام کردند که: سود ویژه آن دسته از کارگران جدیدی که در اوایل سال قبل مبلغی به عنوان "علی الحساب سود ویژه" دریافت داشته‌اند، کمرو به کارگران قدیمی پرداخت خواهد شد. (لازم است تذکر داده شود که تعداد کارگران جدید بیشتر از مدیران است، آنها طبعی سایر ربات خود را حمایت دیگر کارگران موفق به دریافت "علی الحساب" شدند) مدیران در اس عمل خود چند هدف را دنبال می‌کردند: ۱ - دامن زدن به اختلاف بین کارگران قدیم و جدید تا بدینوسیله از اختلاف ما - پس آنان سود ببرند. ۲ - پس انداز کردن مبلغی به نفع کارفرما، این مبلغ از تفاوت کمرو سود ویژه کارگران - کران جدید و پرداخت آن به کارگران قدیم نصیب کارفرما می‌گردد. ۳ - بازداشتن کارگران از ادامه سایر راه‌های دریافت بقیه سود ویژه.

مبارزه با امیربالیسم از مبارزه با سرمایه‌داران وابسته جدا نیست

ساعت ۲/۱۵ دقیقه بعد از ظهر بود که سرپرست بسته بندی اعلام کرد که لیست قطعی سودویزه تهیه گردیده و در قسمت بسته بندی اعلان شده است. به محض شنیدن این خبر همه کارگران بطرف قسمت بسته بندی رفتند. پس از دیدن لیست سودویزه خشم و نفرتی عمیق وجود کارگران را فرا گرفت. پس از ۶ ماه که از پرداخت مبلغ ناچیز "علی-الحساب" می گذشت، کارگران به چشم خود می دیدند که دسترنج آنها به حیط سرما به دارمازمیگردد و این عمل سوسله فاسوی صورت میگیرد که "شورای انقلاب حامی مستضعفان" آنرا سرعت نصیبت کرد.

لیست سودویزه حاکی از آن بود که از حقوق ۲ کارگران مبلغی بین ۵ تا ۱۷۰۰ تومان باید کسر گردد و ۱/۴ از کارگران قدیمی مبلغی بین ۲۷ ریال تا ۷۰۰ تومان منعلق گیرد. (۷۰۰ تومان تنها شامل یکی از کارگران می شد). سایر این مبلغی که به سودویزه کارگران قدیمی اضافه می شد، ارحیب کارگران جدید می رفت. اکثر کارگران قدیمی می گفتند ما حاضر نیستیم پولی را که از کارگران جدید کسری شود بگیرییم. ارقام ذکر شده در نامه خوبی نشان میدهد که پس از کسر سودویزه کارگران جدید و پرداخت سودویزه کارگران قدیمی مبلغ قابل توجهی برای کارفرمایانی می ماند. کارگران خشمگین و معترض پس از دیدن لیست سودویزه، حاضرین به ادامه کار رسیدند و در گروههای جدید فرجه به بحث و گفتگو پرداختند. کارگران می گفتند: "نه تنها این مبلغ زایل شده هم بلکه باقی مانده سودویزه خود ما نرا هم خواهیم گرفت". یکی از کارگران می گفت: "از ما کارگران چه بگیرد و چه بدهد همیشه فقیر و نهار هستیم اما از این به بعد خدا شاهد است من یکی، تن به کار نمیدهم. تنها حالا جان کسدم من بود. همش می گفتم نباید پول حرام خورد اما حالا می بینم این ما نیستیم که پول حرام می خوریم. پول حرام را این بی شرفهایی می خورند که ارحب و راست کارگران را می چابند و حیب خودشان را برمی کنند". تعدادی از کارگران نزد سرپرست کارخانه رفتند و از او در مورد چگونگی اجرای طرح توضیح خواستند. او گفت "این لیست با استعاده از طرحی که وزارت کار در مورد سودویزه تهیه و تنظیم کرد نوشته شده است. سودویزه ما نوجه به امتیاز هر فرد تعیین می شود. این امتیازها با توجه به مهارت در کار، نگهداری از ماشین آلات و اسرار کار اعم از تولیدی و اداری، تحویل بوضع کار و میزان ابتکار کارگر در انجام کار بهتر و تعیین می شود. کارگران به امتیازهایی که مسئولین به آنها دادند اعتراض کردند. سرپرست گفت "از ۱۰۰ امتیاز هر کارگر من فقط می توانستم ۲۸ امتیاز بدهم که آنرا هم متناسب با کار افراد، دادم. ولی با بسد بوجه دانسته باشند که این طرح ارا ما س غلط و ضد کارگری است و به همین دلیل هم لغو شد".

کارگران در این روزها با خود را پوشیدند و سرکار خود رفتند ولی هیچ کارگری حاضر نبود تولید کند. کارگران فاطمه از مدیران دولتی می خواستند تا به مسئله سودویزه رسیدگی کنند. حمیده جو، یکی از مدیران دولتی که شخص موق العاده خوسردوسی نقاوتی است (چون مرداب گسیدده ای که حتی با پرتاب سنگ موج بر-سمندارد) خطاب به کارگران گفت "این یک عمل قانونی است. ما غیر قانونی عمل نمی کنیم و از شما می -خواهیم که سرکار ما ن روید و بوجه تولید ادامه دهید". کارگران به او گفتند "ما به مبارزه ما ن ادامه می دهیم. ما هم اگر حرفی برای گفتن داریم در مجمع عمومی کارگران مطرح کنید".

ساعت ۹/۴۰ دقیقه، کارگران برای تشکیل مجمع عمومی در رستوران کارخانه گرد آمدند. مدیران دولتی کارخانه هم در جمع آنها حاضر شدند. ابتدا حمیده جو شروع به صحبت کرده چنین گفت "من از همه شما کمال تشکر را دارم که در طی این ماهی که ما به این کارخانه آمده ایم با ما همکاری کردید. ما همه اعضای یک خانواده هستیم. با همکاری یکدیگر توانستیم در امر تولید موفقیتها ئی کسب کنیم. البته سودیگروهها و دستجاتی که کارکنی می کردند. از من بدگویی می کردند و بدنیال مدارکی بودند تا بتوانند شخصیت مرا لکه دار کنند اما حوسحنانه موقو شدند. در مورد سودویزه هم خوب میدانید که ما فقط به قانون احترام گذاشتیم و آنرا اجرا کردیم. البته باید بگویم که گروهها و دستجات هر کدام، برای حق و حقوق کارگران معیاری دادند. از نظر من حق کارگران آن چیزی است که قانون می گوید. من محری قانون هستم. هر کدام از شما حتی اگر بخواهید کما بعد در طول روز کم کاری کنید و یا کارکنند حقوقش بر او حرام است". در حلال صحبت های حمیده جو یکی از کارگران آشپزخانه برخاست و گفت: "من مدت دو سال است که در این لابراتوار کار می کنم. حتی یکماه هم

شهرچه مسجد حکیم آباد پیوند کارگران با چریکهای فدائی خلق ایران

نات نبودم، سخت ترس کارها را در آسپرخانه قبول کردم. ما آنهمه زحمت حالا می خواهید از من ۳۰۰ تومان کسر کنید. من این پول را ارکحاسباورم؟ چرا به آدماسمی رسید؟ چرا حق کارگران را زیر پا می گذارید؟ شما من ماه است که به این کارخانه آمده اید اما حتی یک کار کوچک هم به نفع کارگران نکرده اید." کارگرد دیگری گفت: "آقای حمیده خو! شما صحبت از این می کنید که ماهه اعضای یک خانواده ایم و مسائلمان مشترک است. اما آقای حمیده خو! بسطوریست. شما عضو خانواده ما نیستید. چرا که ما بارها برای حل مشکلاتمان به شما مراجعه کردیم و شما باسی نفاوسی گفتید "هیچ ربطی به من ندارد." شما می گوئید باید از حقوق کارگران مسلمی بابت سودویزه کسر گردد. آیا پولی که شما به زور می خواهید از ما کسر کنید، حلال است؟ این پول به حیب چه کسی می رود؟ آقای حمیده خو! سودویزه قسمی از حقوق کارگران است. پولی که شب عبید بعنوان "سود ویژه" از ما گرفتیم جزء بسیار کمی از "سودویزه" ما بود. ما در همان موقع گفتیم که این پول را بعنوان "علی-الحساب" می گیریم تا سفیه سودویزه را بجا بگیریم. این مسئله را حتی شما هم پذیرفته بودید. اکنون پس ارسن ماه که ما در انتظار دریافت باقیمانده "سودویزه" بودیم، با اتکا به قانون وزارت کار می گوئید ما پول زیادی به کارگران دادیم و باید از آنان باری بگیریم. آیا هیچ فکر کرده اید که پس از گذشت شش ماه، تا اسفندماه گراسی و با اس وضع بد مالی مان چگونه می توانیم این پول را پس بدهیم؟ ما کارگران تنها با فروش نیروی کارمان امرار معاش می کنیم. اگر یک روز کار نکنیم، گرسنه می مانیم. و شما علاوه بر اینکه نیروی کار ما را به کمترین قیمت می خرید، حاضر نیستید این حداقل را هم بطور کامل بپردازید. سودویزه جزئی از حقوق ناچیر ما است و ما اجازه نمیدهیم که شما آنرا تصاحب کنید." حمیده خو گفت: "ببینید، سودویزه اما می بود که ما به شما دادیم و حالا هم طبق قانون میخواهیم آنرا پس بگیریم. خیال کنید وای می گرفتید و حالا هم باید پس بدهید. ما طبق قانون عمل می کنیم و نمی توانیم قانون را زیر پا بگذاریم. باز هم می گویم ممکن است "حق" از جانب هر گروهی، به نوعی تفسیر شود اما، از نظر من حق یعنی قانون. کارگری در جواب گفت: "آقای حمیده خو! اگر ما نتوانیم بود، از جانب ما پیش شما بود. ما علاوه بر اینکه پولی به شما پس خواهیم داد بلکه هر چه فاطمتری خواهیم که "سودویزه" واقعی ما را بپرداخت کنید. آقای حمیده خو! شما محسب از قانون می کنید. قانونی که در سال ۵۶ یعنی در دوره طاغوت نوشته شده به نفع سرمایه داران است. شورای انقلاب هم با تصویب همین قانون در سال ۵۸، عملاً "حقوق کارگران را زیر پا گذاشت و از سرمایه داران دفاع کرد. اس کاملاً" روش است که حق از نظر ما کارگران و شما سرمایه داران دو معنی مختلف دارد. برای اینکه منافع شما منافع ما است. این کاملاً" واضح است که آقای نعمت زاده که بعنوان وزیر کار، آن بالا سسده می تواند شرایط فلاکتسار زندگی کارگران را درک کند. برای اینکه خود او هم سرمایه دار و صاحب شرکت است. شما حق دارید که از قانون پشتیبانی کنید. شما حق دارید که فقط قانون را تحق بدهید. چون این قانون از منافع ما حمایت می کند. از شما می خواهیم که هر چه زود تر به وضع ما رسیدگی کنید. به ما بگوئید تصمیمتان چیست تا ما هم بدانیم چه باید کنیم." سخنان این کارگرتا، بیده کارگران رو برود. پس کارگرد دیگری گفت: "آقای حمیده خو! پولی که ما به عنوان "سودویزه" می گیریم کفاف خرج لباس شب عبیدخوا-گران و سراد را ما فراهم می کند. اما، شما با پولی که می گیرید می توانید بهترین خریدها را بکنید و رنگین - سرس سفره ها را بچینید. آقای حمیده خو! قانونی که شما از آن دفاع می کنید و ما، مورا اجرای آن هستیم به نفع سرمایه داران است و بدرد ما نمی خورد." سخنان این کارگرت نیز موردتأیید کارگران قرار گرفت.

تکمیل مجمع عمومی نتوانست مشکلی را حل کند و کارگران هم بدلیل اینکه پاسخ روشی از مدیر کارخانه نگرفته بودند حاضر نشدند سرکار خود را ترک کنند.

پس اریابان جلسه مجمع عمومی تعدادی ار کارگرانی که تحت تأثیر تبلیغات رژیم بودند به همراهی هواداران "جرمان منحن کار" مبارزات با اصطلاح صدا میریالیستی حاکمیت ضد خلقی را بهانه قرار داده تلاش کردند تا کارگران را از پی گیری خواسته های بحقشان بازدارند. آنها می گفتند: "ما در حال مبارزه با امپریالیزم آمریکا هستیم. حوا با بدن تولیدیغ آمریکا است. اگر ما هم حواها ن تعطیل تولید باشیم، در عمل در خط آمریکا فرار میگیریم. با توجه به اینکه با تحریم اقتصادی روبرو هستیم، باید آبقدر تولید کنیم

قانون سرمایه داران وابسته قانون کارگران نیست

که بتوانیم آمریکا را بزود آورییم. ما میتوانیم با انتخاب نماینده اعتراضات را بگوش مسئولین بزرگ
سازیم و به خواسته هایمان دست یابیم."

" جریان منحنی کار " مدتهاست خیانت پیشه کی حزب خائن " توده " را پیشه خود ساخته و در تمامی حوزه های

های مبارزاتی توده ها به بلندگویی رژیم فدخلقی حاکم تبدیل شده است. این خائنین به خلق که بسد زوغ

نام " فدائیان خلق " را بر خود نهاده اند، در تمامی حوزه های مبارزاتی توده ها به سدی در برابر توده ها

تبدیل شده اند. دیر نیست که توده های بیباخته خلق ما، رژیم حاکم و حامیان خیانتکارش را به زباله دان

تاریخ بسپارد. در لابراتوار داروئی دکتر عبیدی نیز هواداران همین " جریان منحنی " میگوشتند تا با استفاده

از شور و حماسه امپریالیستی کارگران، آنها را به زیر یوغ سرمایه داران وابسته و رژیم فدخلقی حامی آنها بکشند

هواداران " جریان منحنی کار " همدا بر رژیم حاکم و سرمایه داران وابسته به کارگران میگویند: " شش سطر

مبارزه با امپریالیسم آمریکا، تولید هر چه بیشتر است. این دیگر بر عهده جریکهای فدائی خلق و دیگر نیرو-

های مبارز درون جنبش است که مشت این خائنین به طبقه کارگر را بزنند. آنها با بیدکارگران بگویند که

تولید بیشتر در کارخانه ای که با تمام تار و پود خود به کشورهای امپریالیستی وابسته است، نه ضربه ای بر بیکر

امپریالیسم، که به معنی بر کردن هر چه بیشتر جیبهای امپریالیست است. تولید بیشتر در کارخانه داروئی

عبیدی که تمامی مواد اولیه و ماشین آلات خود را از کشورهای امپریالیستی وارد میکند، مبارزه ضد امپریالیست

لستی نیست. با تولید هر چه بیشتر، مواد اولیه بیشتری مورد احتیاج است. مواد اولیه از کشورهای

مثل آمریکا، انگلیس، فرانسه، ژاپن و... وارد میشود. یعنی همان کشورهای که این خیانت پیشه گان

ادعا میکنند رژیم فدخلقی کنونی، در حال مبارزه با آنهاست. وارد کردن هر چه بیشتر مواد اولیه هم به معنی

عزت صنایع و نیروی کار زحمتکشان میهنمان بوسیله امپریالیستها و پر شدن هر چه بیشتر جیب آنهاست.

کارگران مبارز لابراتوار داروئی عبیدی نیز خیلی زود به حیلده این بلندگوهای رژیم بی بزده اند. کارت

گران به این خائنین به منافع خود میگویند: " ما هم میخواهیم تولید کنیم. ما هم میخواهیم بر علیه آمریکا

مبارزه کنیم. مگر آمریکا طرفدار سرمایه داران نیست؟ و مگر مبارزه ما با سرمایه داران به معنی مبارزه با

امپریالیسم آمریکا نیست؟ چگونه ما با تولید نکردن، آمریکا می شویم؟ اگر عقمان را با مال نکنند، اگر

به کارمان رسیدگی کنند، ما هر چه زود تر بر سر کار بر میگردیم و شروع به تولید میکنیم."

در بعد از ظهر همین روز دوشنبه کارگران که به اتفاق سرپرست قرض سازی بوزارت کار رفته بودند، باز

گشتند. نتیجه از پیش روشن بود: وزارت کار عمل مسئولین کارخانه را قانع نکرده و درست دانست.

کارگران تصمیم گرفتند تا آخر شهریور ماه، برای رسیدگی به مسئله " سود ویژه " به مسئولین فرستند

دهند و در صورتیکه مسئله برفع آنها حل نشد، دست به اعتصاب بزنند.

کارگران مبارز ما با بیدار شدن که فشارهای وارد به آنها درست بدلیل وابسته بودن اقتصاد ما به کشورهای

امپریالیستی است. کارگران مبارز ما با بیدار شدن که مبارزات سالهای ۵۵ - ۵۷ آنها، با سازش سران رژیم

فدخلقی حاکم با امپریالیسم به شکست انجامید، با بیدکارگران گفت که انقلاب شکست خورده است. انقلاب به

معنی دیگری اساسی روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کهن است. انقلاب باید موقعیت کارگران دهقان

- نان و دیگر زحمتکشان را ارتقاء دهد و وضع آنها را بهتر کند. اما کارگران مادر کارخانه ها و واحدهای سو-

لیدی با قوانینی که منافع آنها را تاء مین کنند و بر و نیستند. قوانین ضد کارگری محمد رضا شاه لغو شده

که هیچ، قوانین ضد کارگری دیگری نیز بر آنها اضافه گشته اند. کارگران ما ارگانهای کهنه و نوین سرکوب

را بالای سر خود حس میکنند. گرانی، فقر، بیماری، کمبود ما به محتاج عمومی و... و خواسته ها و نیازهای

خانواده کارگران باعث میشوند که کمتر کارگری جلوی زن و فرزند خود شرمگین نباشد.

کارگران انقلابی باید با تمام وجود و سطور همزمان رژیم فدخلقی حاکم و فرست طلبان خیانت پیشه در

درون صفوف خود را افشاء و طرد کنند. باید با توسل به اشکال مختلف مبارزه، در برابر برده های کوچک و بزرگ

سرمایه داران وابسته و حاکمیت حامی آنها دست به مقاومت متشکل و همه جانبه زده برخلاف اندرزهای فرصت-

طلبان، باید دانست که با هر عقب نشینی، ارتجاع حاکم و سرمایه داران وابسته گامی بجلو تر خواهند داشت.

سالها کار و زحمت، سالها تحمل فقر، گرسنگی، بیماری و... سالها استثمار و غارت زحمتکشان

میهنمان توسط امپریالیستها، با بدین درین را بکارگران زحمتکش ما آموخته باشد که درمان قطعی این نظام

سینها درنا بودی کل آن و قطع وابستگی به امپریالیسم است.

پیروزی باد مبارزات حق طلبانه کارگران

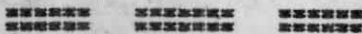
بیربادام - همدان:

این روستا، از روستاهای بخش کیوترا هنگ همدان است و در حدود ۱۲۰ خانوار جمعیت دارد. از مالکان بزرگ این روستا دو حاجی هستند که یکی اهل همین روستا و دیگری اهل روستای دیگریست. در سالهای اجرائی "اطلاعات ارضی" مالک بزرگ ده بسرای فرار از تقسیم زمین ۴۰۰ هکتار زمین را به این دو حاجی میفروشد و اینان نیز بعدها با توسل به زور عمده زمینهای روستا ثانیان را تصرف می کنند. دهقانان این روستا که تحت ستم شدید این مالکان قرار دارند برای بازگرفتن زمینهای خود به مبارزه با مالکان برخاسته اند. واقعه ای را که در زیر بنقل می کنیم نمونه ای از این مبارزات است:

روز چهارشنبه ۵۹/۷/۱۷ یک نفر آخوند بنام سلطان - نی از طرف عالمی (آخوند معروف همدان) وارد روستا می شود. سه پاسدار و یک درجه دار ارتشی آخوند را همراهی می میکنند. آنها شب را در خانه حاجی ولی الله، مالک عمده روستا می گذرانند. صبح روز بعد روستا ثانیان در محضر روستا جمع می شوند. آنها بر سر این موضوع که چرا آخوند سلطانی در خانه مالک روستا خوابیده است؟ صحبت می کردند. آنها معتقد بودند که آخوند مزبور قصد حمایت از مالک را دارد. رفتار رفته بر جمعیت داخل مسجد افزوده می شد. معلمین این روستا و چند روستای اطراف آن نیز به جمع مردم می پیوندند. در این هنگام سلطانی نیز به جمع آنان آمده و کوشید اختلافات دهقانان و مالک را به نفع مالک خاتمه دهد. مردم به مخالفت با او برخیزند. در این بین یکی از معلمین از آخوند سلطانی می خواهد که کارت شناساییش را به او نشان دهد. آخوند می گوید: کارت من در پاسگاه حاکمانه است، بیاید تا در آنجا به شما بدهم. و سواروانت با مالک ده می شود. مردم نیز با سنگ به او حمله ور شدند. اما سلطانی جان سالم از مهلکه بدربرد. مجدداً "مردم در مسجد جمع شده و یکی از معلمین شروع به سخنرانی کرد. او واسط صحبت های معلم بود که ما، موران پاسگاه دوباره به مسجد بازگشتند و دو نفر از معلمین را بازداشت کرده و با خود به پاسگاه بردند. روستا ثانیان نیز به مقابله با یک سرباز و سه جوان مردی (حاش) که همراه ما، موران پاسگاه آمده و در روستا مانده بودند پرداختند. در این میان سرباز که قصد مقاومت در مقابل مردم را داشت زخمی شد. مردم پس از آن دست به راهپیمایی در مسیر حاده همدان - بیجا رزدند. و در طول راه پیمایی مسوود

حمله شدید ما، موران پاسگاه ژاندارمری قرار گرفتند. ما، موران ژاندارمری در حالیکه تیراندازی هوایی می کردند. ۳۰ نفر از روستا ثانیان را دستگیر نمودند. دستگیر شدگان را در روزهای بعد آزاد کردند اما دوباره هفت نفر را بجرم زخمی کردن سرباز دستگیر کردند. زیرا این سرباز با گرفتن ۵۰۰۰ تومان از مالک روستا حاضر به دادن رضایت برای آزادی این هفت نفر نبود. معلمین زندانی را نیز پس از سه روز شکنجه روحی و تهدید به اعدام، آزاد کردند اما وزارت آموزش و پرورش روستاهای محل خدمت آنها را تغییر داد. مالک در این بین زمینهای شخم زده روستا ثانیان را غصب کرده و شروع به کشت نمود و با این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی به مالک زمین شخم زده و به روستا ثانیان، زندان هدیه کرد.

این نمونه بار دیگر نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی طرفدار دهقانان نیست و از مالکان حمایت می کند. دهقانان باید بدانند که جمهوری اسلامی فرگز مدافع منافع آنان نبوده و نیست و برای رهایی از ظلم و ستم مالکان، نباید هیچگونه انتظاری از این حکومت ضد خلقی داشته باشند.



مقاومت روستا ثانیان، جواب مهاجمین است!

رودبار سرای خوشابر طوالش:

زحمتکشان این روستا با کارکش و رزی و کارگری در شرکت صنایع چوب و کاغذ (جوکا) زندگی می کنند. روستا ثانیان این روستا نیز همانند دیگر روستا ثانیان میهنمان در زمان شاه به شدیدترین وجهی استثمار و غارت میشوند. مزدورانی چون خسروخان بگانی (رئیس انجمن ایالتی ولایتی)، سعدالله امیری (رئیس خانه انصاف سابق و داماد خسروخان) - نهضت حسینی نژاد (ساواکی)، رئیس حزب رستاخیز و داماد خسروخان)، قیوم بگانی (کارمند آموزش و پرورش) و سهراب بگانی (نزول خوار - برادر خسروخان) همگی به پیشانی - نی هلاکورا مید، این حیره خوار شاه خاشن خون رو - ستا ثانیان را شیشه می کردند و با توجه به پستیهای خاشن که داشتند حساسی برخوردار بودند. در جریان او - جگیری مبارزات قهرمانانه توده های ستمش ایران، روستا ثانیان و کارگران زحمتکش این روستا نیز مبارزه با این مزدوران برخاستند. روستا ثانیان توانستند دو

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

نن از آنان بنام آقای خسرویگانی ونهفت حسنی نژاد را دستگیرکنندولی بقیه مزدوران فرار کردند. این دوتن بعداً "بدون محاکمه توسط پاسداران از زندان آزاد شدند. در مقابل کشاورزان نیز با هوشیاری مواظب هرگونه حرکت مشکوک آنان بودند. یکی از فرزندان خسروخان زمیندار بزرگ بنام حسن بیگانی در روز ۵۹/۶/۱ با ارازل و اوپاش همراهش در سمرعه به روستا ثیان حمله ور شدند. روستا ثیان یکپارچه جواب دندان شکنی باین شخص و دارودسته او دادند، بطوریکه موجب فراری شدن آنها گردید. بدنیال این جریبان زمینداران بزرگ روستا از وکیل فرمایشی مجلس شوره ای اسلامی، حجت الاسلام بیونس عرفانی در سرکسوب زحمتکشان کمک خواستند. وکیل زمینداران و سرمایه داران وابسته نیز بدون فوت وقت در منطقه حاضر شدو جلسه ای با شرکت زمینداران بزرگ و مزدوران آنها تشکیل داد. در این جلسه قرار شد که از طریق دادگساره انقلاب انزلی خواهسته های مالکین برآورده شود. حجت الاسلام بیونس عرفانی به بیدادگاه انقلاب اسلامی دستور داد که قضا را بنفع زمینداران حل کند. در روز ۵۹/۶/۲ حاکم شرع بندرانزلی (حجت الاسلام قنبلزاد) ونماینده "امام" در رضوان شهر (حجت الاسلام سیدی) پاسداران ژ- ۳ بدست، فرمانده گروهان و ماء مورین با سگانه ژاندارمری خوشا برحمت سرکوب و ابعا درعب و وحشت به روستا هجوم آوردند. این بار نیز روستا ثیان در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و حمله آنان را دفع نمودند و با ردیگر ثابت کردند که در مقابل هرگونه تعدی و تجاوزنا پای حان مقاومت خواهند کرد. در احتما - می که از کشاورزان ستمدیده در همان روز تشکیل شد روستا ثیان ضمن دادن شعارهایی هرگونه امتیاز دادن به مالکین را محکوم کردند. تصمیم روستا ثیان به مقاومت لزره براندام مهاجمین انداخت.

روستاهای مازارستاق و اسکارد - قطری :

زحمتکشان روستاهای مازارستاق و اسکارد از توابع چهار دانگه بعد از مدتها مبارزه با زمینداران بزرگ و دولت حامی آنان توانستند بخشی از حق خود را بدست آورند. در روز شنبه ۵۹/۷/۲۶ چهار نفر از اعضا هیئت هفت نفره تقسیم زمین به روستای مزبور آمدند. اعضاء هیئت هفت نفره میکوشیدند تا در دعوی مابین روستا ثیان زحمتکش و زمینداران بزرگ، حق روستا ثیان را پایمال کنند و بعضی اعظم زمین را به ملکی ها بدهند. این تصمیم شدیداً مورد اعتراض زحمتکشان مبارز روستا واقع شد. در نتیجه فشاری روستا ثیان ۱۵۶ خوار زمین گندم کاری بدین ترتیب تقسیم شد:

میرزا علی ملکی ۲۰ خروار، شاکر ملکی ۲۰ خروار، لطفعلی ملکی ۱۰ خروار، از ۱۰۰ خروار باقی مانده، بیست و پنج خروار به روستای اسکارد و ۲۵ خروار به روستای مازارستاق تعلق گرفت. روستا ثیان زحمتکش با شناختی که از یکدیگر داشتند زمین را بین خود تقسیم کردند. به آنها بی که مقداری زمین داشتند در حدود ۲۵ کیله زمین و به آنها بی که زمین نداشتند یک خروار زمین رسید. در ضمن با تصمیم هیئت هفت نفره (پس از همان ۴ نفر) تقسیم زمین شالی زاری به سال بنام موکول شد. در این مورد نیز حقه با زاری و جانبداری این "هیئت" از زمینداران بزرگ معلوم است. این تصمیم تنها برای اینکه زمین های زمیندار بزرگ از تقسیم شدن نجات پیدا کند، گرفته شده است. این تصمیم باعث میشود روستا ثیان ستمدیده به بخشی از حق خود، یعنی زمینهای شالی زاری نرسند. در این تقسیم زمین که بین روستا ثیان ملکی ها انجام شد، نقشش هیئت هفت نفره در حمایت از زمینداران بزرگ مشتمل بر روشن بود. بنابراین روستا ثیان میدانند که برای دستیابی به تمامی حقوق خود باید به مبارزه بپردازند. چنان ادامه دهند.

روستای نوشیروانکلا - بابل :

شب پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷ اهالی روستای نوشیروانکلا برای انتخاب نمایندگان شورای ده دژ "تکبه" این روستا گرد هم آمدند. در این جلسه یکی از فالانزها کوش داشت با تحمیل ضوابط خود ساختار انتخاب نیروهای انقلابی و مبارز بعنوان نماینده، جلوگیری به عمل آورد. روستا ثیان که می خواستند بدور از هرگونه گونه قید و بندی نمایندگان واقعی و انقلابی خود را انتخاب کنند تن به او امر!! فالانز مزبور نادانند و جلسه بدون انتخاب نمایندگان و تشکیل شورا خاتمه یافت.

جلسه دوم شنبه شب ۵۹/۷/۲۷ در همان مکان قبلی تشکیل شد. فالانزها و هواداران "جریان منحن کار" از قبیل برای جلوگیری از انتخاب نمایندگان انقلابی بی و مبارز به توافق رسیده بودند. آنها وقتی بدلیل هوشیاری روستا ثیان در انجام نیات خود ناتوان ماندند، از تشکیل "شورای ده" جلوگیری کردند. توطئه هواداران "جریان منحن کار" وهم کاری نزدیک آنها با فالانزها یک بار دیگر نقاب از چهره فرمت طلب آنها برداشت و مشتشان را نزد اهالی روستا با ز کرد.

خبرهای کردستان

تاریخ: ۵۹/۷/۲۱ - پیشمرگان جریکهای فدائی خلق ایران، با انجام عملیات نفوذی، محل استقرار سپاه پاسداران ضد خلقی را بمب گذاری کردند. این محل در قسمت خروجی شهر با نه واقع است و پاسداران مزدور با استقرار در این مکان از ورود خواربار به شهر جلوگیری می کردند و نیز به بیانه کنترل رفت و آمد، به آزار و اذیت مردم می پرداختند. در نتیجه این عملیات نفوذی ۲۰ نفر کور و ۷ نفر زخمی شدند. یکی از ماشینهای این ارگان سرکوب امیرالیستی نیز منهدم شد و واحد جریکی سالم به پایگاه خود بازمیگشت. مردم منطقه، از انجام این عملیات که منجر به برچیده شدن پست بازرسی شده است، بسیار دلشادند.

هزبوی پیشمورگه ، دژمن نصیبیت مهرگه

مهاباد

- ۱- در روزهای نهم و دهم مهر ماه ارتش امیرالیستی و پاسداران ضد خلقی در شهر مستقر شدند. این سرکوبگرانی که از ارتش امیرالیستی می بردازند. هرازگاهی بخانه ها هجوم می برند. خانواده ها را بوحشت ابداخته، عده ای را دستگیری کنند. ولی با این همه تلاشهای مذبحخانه ای ~~کمیسیون~~ ~~تنفرد~~ کوبیده پیشمرگان دلبر خلق کردیسه ارتش و پاسداران همچنان ادامه دارد.
- ۲- تظاهراتی توسط سازمان خائنین "اکثریت" و حزب توده خاشن و دارودسته غنی بلوربان و سپاه پاسداران علیه نیروهای انقلابی و حزب دموکرات انجام شد. این خائنین شعارهایی علیه پیشمرگان قهرمان و نیروهای انقلابی می میدادند.
- ۳- فرمانده مزدور سپاه پاسداران ضد خلقی در طی صحبتش در یکی از مساجد شهر گفته است: "ما نصیب داشتیم مهاباد را با خاک یکسان کنیم و در خاک آن سبب زمینی و بیابانیکا. ریم. اگر دوباره به ارتش حمله کنند یا اعتراض کنند این کار را خواهیم کرد. البته این مزدور "سخنرانی" غرای!! خود را در حضور تعداد اندکی حاش و عده ای بزدل انجام داد. مرده مبارز مهاباد در عمل، جواب دندان شکن به این مزدوران داده و خواهد بود، که در اثر واکنش مردم قهرمان داد. مهابادها بفرار گذاشتند.

زنده باد خلق رزمنده کرد
که برای آزادی مبارزه میکند!

سعادت بیاید محاکمه شود یا حکومت جمهوری اسلامی؟

مدت زیادی از قیام بهمن ماه ۵۷ نگذشته بود که حکومت جمهوری اسلامی توسط کمیته مستقر در سفارت آمریکا - که بعداً "بدلیل اتفاقات بیشماری که بسال آورده بود، توسط خود حکومت "غیرقانونی" خوانده شد- ربوده و پس از شکنجه بجرم مسخره "حاسوسی" بزندانیان انداخته شد.

این اولین بار نیست که مجاهد خلق، محمدرضا سعادت، زندانیان را تجربه میکند. همه میدانند که او ۷ سال را در زندانهای سیاه محمدرضا شاه گذرانده بود و جزو آخرین دسته‌ای از زندانیان سیاسی بود که خلق قهرمان ایران، غل و زنجیرهای زندانهای شاه را از پای آنها باز کردند.

باران زندانی محمدرضا سعادت، هیچگاه خاطرهای همبند خود را که با اندامی لاغر اما استوار شکنجه‌های ساواک را تحمل نمود، از یاد نبرد و نخواهند برد. همه آنها سعادت را بیاد می‌آورند که چگونه با وجود درد شدید کمروا مراضی که ناشی از شکنجه‌های دوران بازجوئی بود، همواره، باروشی گشاده‌با همزنجیران خود گفتگو مینمود.

برای ما که میدانیم در زندانهای شاه چه گذشت، بهیچوجه عیب نیست که ببینیم کسانی اکنون سعادت را به بند کشیده‌اند که در گذشته نیز دشمن تمامی انقلابیون راستین بودند. کدامیک از زندانیان سیاسی رژیم شاه نمیدانند که جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، چگونه عده‌ای نادم را در بند همین زندان اوین به دور خود جمع کرده بود و حزب الهی‌های آینده را پرورش میداد؟ مگر ما فرا موش کرده‌ایم که آیت الله انواری، حاج مهدی عراقی و عسکراولادی چگونه با نوشتن ندامتنامه و دعا بجان "شاهنشاه آریا مهر"، از زندان آزاد شدند؟

حکومت تاکنون چندین بار کوشیده است تا سعادت را ضحاک کند و هر بار در برابر موج مخالفت افکار عمومی عقب نشسته است. اما اکنون گویا جنگ ایران و عراق را فرصت مفتنی دانسته تا با رد دیگر سعادت را محاکمه کند. محاکمه سعادت در شرایط کنونی در عین حال این فرصت را به حکومت میدهد تا با منحرف کردن افکار عمومی، تنگ آزادی گروهک‌های ایلویشانی نماید و آنرا از یادها محو کند و در عین حال با رد دیگر خوشترقی خود را در معرض دید دولت آمریکا قرار دهد.

سعادت را حاج ماشاء الله قعاب و دارودسته او که کمیته غیرقانونی سفارت آمریکا را تشکیل میدادند، ربوده و شکنجه کردند. درباره حاج ماشاء الله و رابطه تنگاتنگ او با سفارت آمریکا، اسناد زیادی تاکنون منتشر شده است. ما نیز برای آنکه با رد دیگر این رابطه و نیز اهمیت محاکمه سعادت برای آمریکا شیها را بعینه نشان دهیم، متن فارسی سندی را که از اسناد جاسوسخانه آمریکا بدست آمده است، در اینجا درج میکنیم. این سند، نشان میدهد که چگونه عناصر دولتی بهمراهی مستقیم آمریکا شیها با شادی و شغف محاکمه سعادت را دنبال میکنند.

محرمانه

ایالات متحده آمریکا

(مسئول روابط عمومی سفارت)

تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۷۹

یادداشت

به: CHG : آقای لینگن

توسط: آقای کلارک

از: pol : آقای اهن

موضوع: امنیت ملی

یک منبع موشق با رابطه خوبی با وزارت کشور مطالب زیر را تهیه نمود.

الف. بعد از بررسی مجدد از زمان آخرین گزارش ما در مورد رئیس گارد نگهبانی سفارت ماشاء الله کاشانی، این منبع مطلع شد که کاشانی در عرض یکماه برکنار خواهد شد.

ب. مجاهد سعادت که توسط کاشانی دستگیر شده، هفته دیگر علناً "توسط یک دادگاه انقلاب محاکمه خواهد شد. همانطور که در گزارشها اعلام گردیده، مدارک ارتباط او با سفارت شوروی در ایران در دادگاه علنی خواهد شد.

پ. وقتی صلاحیتها و در مورد بهترین حالت اعلام موضع علنی این سفارت در رابطه با مسئله سعادت سی خواسته شد، این منبع اعلام داشت که سفارت همانگونه که تا بحال بوده، باید همچنان سکوت کند.

امضاء

توماس - ال، اهن، جونپور

محرمانه

توضیح: تاء کیدهها از ماست و در سند اصلی وجود ندارد.

" جنبش دانشجویی ، دانش آموزی ۱۹ بهمن " اخیراً " اعلامیه‌ای تحت عنوان " روز ۱۳ آبان ، روز مبارزات قهرمانانه و حماسه آمیزین دانش آموزان ، برفدا امپریالیسم و سگهای زنجیرش ، گواهی باد " منتشر کرده است . در قسمتی از این اعلامیه نوشته شده است :

" دانش آموزان ماکه در زمان رژیم ننگین شاه به چنین مبارزه شکوهمندی در برابر امپریالیسم و سگهای زنجیرش دست زده اند و چنین باینداری از خود نشان دادند . دانش آموزان ماکه چنین تجربه عظیمی را پشت سر گذاشته اند ، با مبارزات کنونی خویش نشان میدهند ، تا هنگامیکه امپریالیسم بزجامعه ما پنجه افکنده و همچنان به مکیدن خون خلق ما مشغول است ، تا هنگامیکه رژیم وابسته به امپریالیسم به سرکوب توده ها میپردازد تا دسترنج آنها را بحیثیت بختاگران بریزد ، تا هنگامیکه با آتش فرهنگ امپریالیستی سعی در تعمیق توده ها دارد و در باین نگاه داشتن فرهنگ توده ها میکوشد ، مبارزه را ادامه خواهند داد و تا قطع سلطه امپریالیسم از پای نخواهند نشست . "



دانشجویان و دانش آموزان مبارز :
با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن ، صفوف دانشجویان و دانش آموزان مبارز و زینتشان را هر چه مستحکمتر سازید .

رژیم می پندارد که می تواند با گذاشتن ضوابط ارتجاعی مانع از مبارزه دانش آموزان بر ضد فرهنگ امپریالیستی گردد !

اما باید بداند دانش آموزان ماکه حماسه ای همچون ۱۳ آبان آفریدند دیگر هرگز تن به ابقای چنین ضوابطی نخواهد داد و به هر وسیله ای با آن به مبارزه بر سر

خواهند خاست . جنبش دانشجویی و دانش آموزی

۱۹ بهمن ۱۳۵۹ / ۸ / ۱۲

تراکت : ۱۴

**حکومت جمهوری اسلامی میگوید که: آزاد کردن گروگانها درقبال
شرط پیشنهاد شده از سوی مجلس شورای اسلامی مبارزه‌ای ضدآمریکائی است.**

**کارتون میگوید: شرایط پیشنهادی ایران زمینه مساعدی برای تاءمین هر
دو هدف اساسی آمریکا یعنی حفظ " شرف " و تاءمین " مصالح حیاتی " ایالات متحده
است.**

بنظر شما کدامیک دروغ میگوید؟

رفقای هوادار:

با انتخاب مطالبی از علامیه‌ها، خبرنامه، جزوات و کتب جریبه‌های فدائی خلق ایران به
بازتکثیر، تهیه تراکت، دیوارکوب (اوزالیدبا درشت نویسی)، شعارنویسی (روی دیوار
یا پارچه‌ای) و..... بپردازید.
رفقا: برای انجام این وظیفه مبارزاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید: شرایط
خاص محلی، وضعیت محیط فعالیت، روانشناسی توده‌ها، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی
مطرح شده در سطح جامعه.

رفقای دختر - لنگرود،
کمک شمار رسید.

رفقای کومانشاه!
گ ۱۰۰۰۰ + ۱۸۶ بدست ما
رسید.

وفا کوچولو!
کمکت بمانرسیده، دست‌کو-
چکت را میفشاریم و امیدوا
- ریم که همچون اسست
وفای بخلق را همیشه‌سازی.

بدلیل حجم زیاد مطالب و اخبار، کلیه
اخبار و گزارشات جنگ دودولت ایران و عراق در
خبرنامه شماره ۴۰ (ویژه جنگ دودولت ایران
و عراق) و کلیه اخبار مدارس در خبرنامه شماره
۴۱ درج خواهدگردید.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است. ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید.